

## عنوان مقاله:

تحلیل فروگیری «علی قریب» و «سالار غازی» با رویکرد تاریخ گرایی نو

## محل انتشار:

نهمین همایش ملی متن پژوهی ادبی (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 8

## نویسنده:

مطهره اصغرنژاد - دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات فارسی موسسه آموزش عالی حافظ شیراز

## خلاصه مقاله:

تاریخ بیهقی از مهمترین کتابهای تاریخ ادبیات فارسی است. اهمیت تاریخ بیهقی بر هیچکس پوشیده نیست و تاثیر آن بر متون بعد از خود گواهی صادق بر ارزشمندی این کتاب است. کتابی که با ظهور خود سبکی جدید در نثر فارسی بنا نهاد که گذشت زمان نه تنها از اهمیت آن نکاسته؛ بلکه بر شکوه و عظمت آن نیز افزوده است. تاریخ بیهقی آینه تمام نمای دوران خود است. بیهقی در این کتاب مرز تاریخ و ادبیات را بهم نزدیک کرده است. نزدیکی تاریخ و ادبیات از پایه های مهم تاریخگرایی نو به شمار می آید. این رویکرد، وقایع تاریخی را صرفاً یک رویداد ندانسته و به چگونگی تفسیر این وقایع، گفتمانهای تاریخی و شیوه های جهانبینی در هر دوره، توجه دارد. تاریخ گرایان نوین معتقدند هر کس با روایت خود از تاریخ و به کارگیری زبانی که بازتاب دهنده یک گفتمان است تاریخ را برمی سازد به عبارت دیگر اتفاقات تاریخی وقایعی برای ثبت نبوده بلکه متونی برای مطالعه بوده اند که برای کمک به فرضیه سازی در مورد چگونگی درک فرهنگهای مختلف از جهان خود، در بره های زمانی مختلف به کارمیروند و ما میتوانیم از شرح های ارائه شده و روشهای تفسیر آنها بفهمیم که افراد دخیل، باور به وقوع چه اتفاقی داشته اند و سپس به تفسیر تفاسیر آنها از تاریخ بپردازیم. در این مقاله فروگیری «علی قریب» و «سالار غازی» که از جمله روایت های مهم تاریخ بیهقی است با رویکرد تاریخ گرایی نوین مورد ارزیابی قرار میگیرد تا نقش گفتمان و ایدئولوژی های موثر در این متن که به منظور کمرنگ جلوه دادن نقش سلطان مسعود غزنوی، به کار رفته است، بهتر نمایان شود.

## کلمات کلیدی:

علی قریب، تاریخ بیهقی، سالار غازی، تاریخ گرایی نو، گفتمان

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1245531>

